خارج اصول

جلسه67 \* شنبه 28/ 10/ 98

موضوع: مسأله ی ضد

کلام در این بود که مهمترین راهی که گفته شده است برای اینکه امر به شیئ اقتضای نهی از ضد آن را داشته باشد، مقدّمیّت است.

اما بر این استدلال، مناقشه شده است. صاحب کفایه می فرماید: دو اشکال بر این استدلال وارد است:

اشکال اوّل

رتبه ی مقدّمه، مقدّم بر ذی المقدّمه است لکن در باب تضادّ همانطور که نفس ضدّین در یک رتبه اند، عدم یکی با وجود دیگری نیز در یک رتبه اند؛ مثلاً عدم الصلاة و ازاله ی نجاست؛ در تناقض نیز همینطور است، رفع أحد النقیضین و وجود دیگری در یک رتبه اند. تنها چیزی که بین آنهاست منافرت است که نهایةً در تناقض بیشتر از تضادّ است.

اشکال دوّم

اگر تضادّ باعث شود که وجود ضدّ توقّف پیدا کند بر عدم ضدّ، مستلزم دور است زیرا عکس آن نیز صادق است یعنی عدم ضدّ نیز توقّف دارد بر وجود ضدّ دیگر.

محقّق سبزواری[[1]](#footnote-1) می فرماید:

ثم‏ في جعل الأضداد مانعا من حصول الحرام نظر إذ لو كان كذلك كانت المانعية من الطرفين لاستواء النسبة فإذا كانت الصّلاة مثلا مانعة عن الزنا كان الزنا أيضا مانعا و حينئذ كان الزنا موقوفا على عدم الصلاة فيكون وجود الصّلاة علة لعدم الزنا و الحال أن عدم الزنا علة لوجود الصّلاة لأن رفع الموانع من علة الوجود فيلزم أن يكون العلية من الطرفين.‏[[2]](#footnote-2)

محقّق خوانساری[[3]](#footnote-3) در رد این دور می فرماید:

قوله «فيكون وجود الصّلاة علة لعدم الزنا» إن أراد أنه يتوقف عليه و لا يحصل بدونه فهو باطل لأن عدم الشي‏ء ربما يحصل لعدم علته التامة فوجود الزنا إذا كان علته التامة مجموعه يكون أحد أجزائها عدم المانع الذي هو الصلاة فعدمه إنما يحصل بعدم ذلك المجموع و عدم المركب إنما يحصل بعدم أحد أجزائه و لا يتوقف على خصوص عدم المانع أي وجود الصلاة و إن أراد به أنه إذا فرض أن جميع أجزاء العلة للزنا حاصل سوى عدم الصّلاة فحينئذ عدم الزنا موقوف على وجود الصلاة و وجودها موقوف على عدم الزنا فيلزم الدور ففيه أنه يجوز أن يكون هذا الفرض محالا و امتناع صلاحية علية الشي‏ء على تقدير محال ممنوع‏.[[4]](#footnote-4)

یعنی وجود ضد، بالفعل متوقّف بر عدم ضد دیگر هست ولی عدم ضدّ، بالفعل متوقّف بر وجود ضد دیگر نیست البته شأناً متوقّف است. هرگاه توقّف متضادّین برهم از یک طرف فعلی باشد و از طرف دیگر شأنی، دور نیست.

(پایان)

1. . از شاگردان شیخ بهاء صاحب ذخیره و کفایة در فقه که تکمله ی ذخیره است. [↑](#footnote-ref-1)
2. . مطارح الأنظار ( طبع قديم )، ص: 105 [↑](#footnote-ref-2)
3. . حسین بن محمد صاحب مشارق الشموس فی شرح الدروس. [↑](#footnote-ref-3)
4. . مطارح الأنظار ( طبع قديم )، ص: 105 [↑](#footnote-ref-4)